

عنوان نشست: مستشرقین و اندیشه سیاسی در اسلام - سخنران: دکتر فرج اله علی قنبری

با عرض تسلیت به مناسبت ایام فاطمیه و شهادت حضرت زهرا (س) دخت پیامبر اکرم (ص) خدمت حضار محترم، بحث خود را آغاز میکنم. تحولات سیاسی و رویدادهای تاریخی نقش مهمی در شکل گیری روشها، الگوها، مفهوم سازیها و نظریه پردازیها در علوم سیاسی و اجتماعی دارند و مطالعات اسلام و سیاست و همچنین مفاهیمی که در این حوزه از سوی پژوهشگران غربی بکار برده می شود از این امر مستثنی نمی باشد. اندیشه سیاسی مسلمانان از اواخر نیمه اول قرن بیستم و در دوران جنگ سرد و با آثار مستشرقینی مانند هامیلتون گیب و آثار وی در حوزه تاریخ و تمدن اسلامی از جمله نظریات سیاسی مسلمان و همچنین مستشرقین دیگری مانند اروین روزنتال آغاز میگردد. آثار علمی این مستشرقین که بصورت کتاب و مقاله تدوین گردیده است و اثر او تحت عنوان اندیشه سیاسی مسلمان در دوره میانه، منابع تحقیقاتی پژوهشگران در دهه های بعدی در حوزه های دین و سیاست و اندیشه سیاسی مسلمانان می گردد.

شایان ذکر است که عبارت اسلام سیاسی و اسلام گرایی مکرر در رسانه های غربی (رادیو، تلویزیون، روزنامه ها)، سرفصلها و متون درسی در سطوح مختلف آموزشی غرب، در کتب و مقالات علمی و طرحهای پژوهشی مراکز تحقیقاتی آنها، در کنفرانس ها و نشستهای بین المللی و اطاقهای فکر و کرسیهای نظریه پردازی به کار برده میشود. ولی تعریف دقیقی از این مفهوم ارائه و یا انگیزه واقعی نظریه پردازان و تحلیل گران و مروجین این واژگان بیان نمی شود. اما قدر مسلم به کار بردن اسلام سیاسی از سوی مستشرقین/غربیها با یک سوء تعبیر و نگرش منفی همراه میباشد و بیشتر به فعالیتهای و اندیشه آن گروه از مسلمانانی اشاره می شود که با فرهنگ غرب و سیاستهای تهاجمی و استعماری آن مخالف و درصدد مقابله با آن می باشد.

دانش افزائی درباره سایر ملل برای ایجاد گسترش مناسبات تجاری و فرهنگی و یا اغراض سیاسی و نظامی به عنوان یک ضرورت مورد توجه کلیه دولتها از قدیم الایام بوده است. از سوی دیگر، اگر چه پیروان ادیان مسیحی و یهودی از اوان ظهور اسلام، با مسلمانان و مبانی اعتقادی آنها آشنا بوده و مباحثات و مجادلات علمی و یا جنگهایی بین آنها صورت میگرفته است، اما مطالعات منسجم و هدفمند غرب در مورد اسلام و جوامع اسلامی از زمان گسترش امپراطوری اسلامی و تهدید اقتدار کلیسا و غرب از سوی مسلمانان آغاز می شود. گسترش امپراطوری اسلامی تا مرزهای فرانسه و تسلط مسلمانان بر قسمت هایی از قاره اروپا، تهدیدی برای اقتدار و حاکمیت کشورهای مسیحی نشین تلقی شده و رهبران کلیسا و دنیای مسیحیت را بر علیه مسلمانان بسیج کردند. لذا اصحاب کلیسا با همکاری رهبران سیاسی و نظامی جنگهای صلیبی را به راه انداختند تا پیشرفت اسلام و مسلمین را متوقف کنند. که در نتیجه طی جنگهای طولانی (جنگهای صلیبی)، مسلمانان را به عقب راندند.

جنگهای صلیبی علاوه بر پیروزی های نظامی، پیامدهایی از نظر آشنایی جهان مسیحیت با پیشرفت های جدید علمی مسلمانان، پایه های گسترش دانش و صنعت غرب را در قرنهای بعدی و تفوق و برتری آنها در تکنولوژی و

فناوری و نیروی نظامی تضمین کرد. بعد از پیروزی نظامی، غربی‌ها آثار فرهنگی و علمی مسلمانان را مصادره کردند. غرب با توجه به برداشت دقیق خود از اسلام به عنوان یک آئین تمدن ساز با قابلیت توانائی گسترش نفوذ خود در سرزمینهای مسیحی نشین، کلیه نیروهای خود را برای آشنایی با اسلام بسیج کرد تا رمز موفقیت مسلمانان در تشکیل امپراطوری اسلامی و پیشرفتهای علمی و فناوری آنها را کشف کند. غرب همچنین با هدف ایجاد زمینه‌های رخنه و شکاف و تسلط بر سرزمین‌های اسلامی به مطالعه اسلام و جامعه اسلامی پرداخت و اجرای این مأموریت، به مستشرقین و مبلغین مسیحی به عنوان پیشقراولان این سیاست استعماری محول کرد. مطالعات این پژوهشگران غربی (مستشرقین) حاصل اتحاد بین اصحاب قدرت و صاحبان قلم در غرب برای مقابله با اسلام می‌باشد که با عنوان اسلام‌شناسی به راه می‌افتد و نتایج مطالعات آنها از سوی مراکز علمی و پژوهشی کشورهای غربی بصورت طرح‌ها و راه‌کارهای اجرایی، گزارش‌های دولتی، سفرنامه و خاطرات و یا کتاب تدوین و منتشر میگردد.

اهداف عمده مستشرقین، برای جستجوی حقیقت نیست بلکه در جهت گسترش سیاستهای استعماری و تحقق اهداف کشورهای متبوع غربی می‌باشد که ضمن آشنایی با فرهنگ جوامع اسلامی زمینه‌های تزلزل و شکاف را بین مسلمانان ایجاد کنند. مستشرقین در طول تاریخ با توجه به حوزه تخصصی مطالعاتی خود از یک سو و نیازهای استعماری کشور متبوع و شرایط و تحولات تاریخی، به مطالعه ابعاد مختلف اسلام و جوامع اسلامی پرداخته و نظریاتی را ارائه و یا مفاهیمی را ابداع کرده‌اند. لذا بررسی مبانی و اصول اعتقادی اسلام، تبارشناسی تفکر اسلامی و نسبت آن با سایر ادیان و مذاهب - با تاکید بر یهود و مسیحیت، و بحث‌های جدال برانگیزی مانند قرآن و اصالت آن، گسترش اسلام، جنگهای پیامبر، اسلام دین شمشیر، زندگی و زنان پیامبر، زن و اسلام و ... از مباحث مناقشه‌آمیزی است که موارد توجه مستشرقین و پژوهش‌های آنها در مورد اسلام می‌باشد.

در اواخر قرن بیستم، با پیروزی انقلاب اسلامی، تحول عمده‌ای در مطالعات اسلامی در غرب پدید آمد. یعنی در حالیکه مدرنیته، لیبرالیسم و دموکراسی بعنوان الگوی ایده‌آل پیشرفت و توسعه معرفی می‌گردید و پژوهشگران علوم اجتماعی عصر دین زدایی و سکولاریسم را پیش‌بینی می‌کردند، در ناباوری تمام، در کشوری که بزعم آنها یک دولت آزاد، مستقل و در لوای مدرنیته و سکولاریسم به دروازه‌های تهران نزدیک می‌شود، انقلابی بنام اسلام پیروز و موجب استقرار حکومت اسلامی می‌گردد. این پدیده غیر قابل پیش‌بینی از سوی غرب باعث شگفتی جامعه غربی گردید و آنها را نسبت به بازنگری اطلاعات خود در مورد اسلام و سیاست بطور اعم و اندیشه سیاسی در اسلام (اندیشه سیاسی متفکران مسلمان) را بطور اخص جلب کرد. هدف از تحقیق و تتبع در این حوزه از سوی پژوهشگران غربی، در وهله اول آشنائی با زیربنای دینی، اسلامی حکومت اسلامی و همچنین ابعاد مختلف آن میباشد. و سپس با علم و آگاهی نسبت به تقابل/تعامل با آن اقدام نمایند. تا پیروزی انقلاب اسلامی، در حوزه اندیشه سیاسی در اسلام و یا صحیح‌تر بیان کنیم، نظریات سیاسی اندیشمندان مسلمان پژوهش‌های عمده‌ای انجام نشده است. لذا برای تدریس این دروس در دانشگاهها و یا به تبع آن برای تدوین این چنین دروسی به متون انگلیسی روی آورند. و متأسفانه پژوهشگران ایرانی نظریه‌آثار و نظریات

مستشرقین را بدون ارزیابی محققانه ترجمه و عیناً بعنوان کتب درسی رسمی پذیرفته و در دانشگاه‌های ایران تدریس کردند. حال آنکه در یک تحلیل و مطالعه دقیق و بررسی تبارشناسی این آثار، عناد این نویسندگان غربی نسبت به اسلام و بی‌پایگی الگوها و نظریاتی که در این کتب ترویج می‌دهند قابل تامل می‌باشد.

در اثبات این ادعا میتوان به بخش‌هایی از کتب مستشرقینی که کاملاً در تضاد با آموزه‌های اسلامی می‌باشد از یکسو، و عدم توجه مترجمین ایرانی مسلمان در برگردان این آثار به فارسی بدون هیچگونه اظهار نظر از سوی دیگر اشاره کرد. این سخنرانی تاکید نمود که شگفت‌انگیزتر اینکه این مترجمین تحت تاثیر این آثار قرار گرفته و نظریات مستشرقین را پذیرفته و مورد تمجید قرار داده‌اند.